

نور فاطمہ زہرا
سلام اللہ علیہا



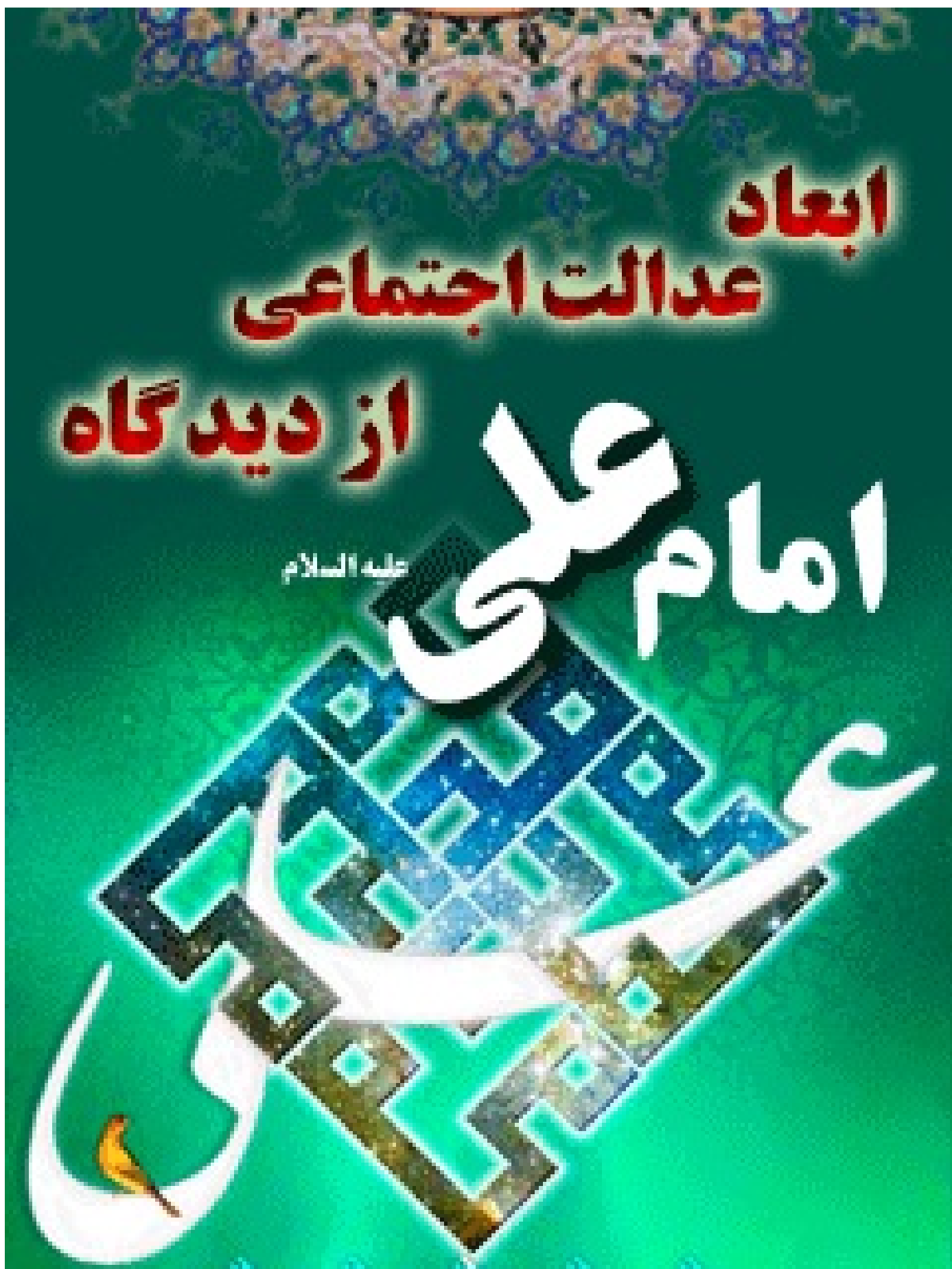
کتابخانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org

ابعاد
عدالت اجتماعی

از دیدگاه

علیه السلام

امام علی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابعاد عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام

نویسنده:

حمید مولانا

ناشر چاپی:

روزنامه رسالت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ابعاد عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	عدالت اجتماعی امام علی
۱۶	تناقضات عدالت اجتماعی
۱۷	افکار لاک و روسو و عدالت اجتماعی
۱۷	مؤسسه نور فاطمه زهرا سلام الله علیها

ابعاد عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۳-۱۳۳۷۷ عنوان و نام پدیدآور: ابعاد عدالت اجتماعی علوی / مولانا، حمید منشا مقاله: روزنامه رسالت، (۵ مرداد ۱۳۸۳): ص ۱۵. (۱۰ مرداد ۱۳۸۳): ص ۵. (۱۹ مرداد ۱۳۸۳): ص ۱۵. (۲۶ مرداد ۱۳۸۳): ص ۱۵. توصیفگر: اسلام توصیفگر: سیاست توصیفگر: عدالت اجتماعی توصیفگر: تاریخ اسلام توصیفگر: کشورهای غربی توصیفگر: نامه‌ها توصیفگر: مالک‌اشتر توصیفگر: اندیشه‌های سیاسی توصیفگر: علی بن ابیطالب (ع)، امام اول توصیفگر: نهج البلاغه توصیفگر: حقوق توصیفگر: حقوق طبیعی

مقدمه

در اسلام واژه و مفهوم سیاست به معنی متداول امروزی وجود ندارد. لغت و مفهوم «سیاست» از طریق خردگرایی یونانی و ادبیات آن به دوران اولیه ی تمدن اسلامی رسوخ کرد. واژه ی سیاست در معنای اسلامی آن با مفهوم عدالت اسلامی ادغام و ظاهر شد و لغت عدالت در اسلام ابعاد بسیار وسیع و بزرگ تری را از آنچه ما در غرب می شناسیم دارا می باشد. در اسلام ورود به سیاست و سخن گفتن در این موضوع، فقط از طریق عدالت امکان دارد و بس و نه از راه قدرت گرایی، حيله بازی، دسیسه و نفوذ و کنترل اطلاعات و مغزها. اندیشه و افکار سیاسی شامل تمام آرا، اصول و منشورها، نظریه ها و فرضیه هایی است که در مفهوم عملکرد سیاسی، روش سیاسی، انگیزه سیاسی، اقتدار سیاسی، دانش سیاسی و سازمان دهی سیاسی منظور می باشد. از نظر ما مسلمانان، اندیشه ی سیاسی بر دو طبقه ی ویژه ولی متفاوت استوار است: یکی اندیشه ی اسلامی و دیگری اندیشه ی سیاسی غیر اسلامی یا سکیولار (دنیوی و غیر دینی). اندیشه سیاسی سکیولار، با جدایی و تفکیک حکومت و دین همراه می باشد در حالی که در اندیشه ی سیاسی اسلامی، موضوع حکومت (صفحه ۵) و دین پیوستگی با خدا است و افراد و جامعه به عنوان خلافت و امانت در اجرای آیین اسلامی، حقوق و مسئولیت های معینی دارند. در اسلام «علوم سیاسی» به صورت یک رشته ی مستقل علمی و پژوهشی به وجود نیامد و رشد و نمو آن از طریق فقه اسلامی بود. این شرح و مقدمه ی کوتاه در اینجا لازم به نظر می رسد، زیرا مطالعه و تحقیق در ابعاد و عدالت اجتماعی امام علی (ع) با اصول حکومتی و اندیشه ی سیاسی و اقتصادی اسلامی، آمیخته بوده است و نمی تواند از آن مجزا باشد. منابع عدالت و اندیشه ی سیاسی اسلام، البته در قرآن، سنت و حدیث استوار شده اند ولی تبیین و تشریح و عملکرد عدالت اجتماعی را ما در حکومت علی (ع)، در آثار او و در نهج البلاغه مشاهده می کنیم. صفحه ۵.

عدالت اجتماعی امام علی

عدالت اجتماعی به عنوان یک مفهوم جامع و همه جانبه در سیاست گذاری یک حکومت و یک نظام وسیع بین المللی، برای اولین بار در تاریخ، از طرف امام علی (ع) و پس از شکست امپراطوری های روم و ایران و فتوحات مسلمین در قاره های آسیا و آفریقا پایه گذاری شد. از دیدگاه امام علی (ع)، عدالت اجتماعی یک اصل همگرا و مشروع حکومتی است و همه ی ابعاد سیاسی، اقتصادی اداری و سازمانی را در بر دارد. در حالی که عدالت اجتماعی در دوران حکومت و امامت علی (ع) یک الگوی جامع و چند بعدی می باشد، یک نظریه و مطالعه ی تطبیقی نشان می دهد که چنین دیدگاه و اصل نظری هم گرایی که از پایه های لاینفک یک نظام واز شرایط مشروعیت یک حکومت محسوب شود در نظام های باستانی و حکومت های غیر اسلامی قرون وسطی موجود نبوده

است. عدالت اجتماعی در چند قرن گذشته به صورت ابعاد فردی و متفرقه، تحت عنوان های عدالت سیاسی، عدالت و قانون، عدالت اقتصادی، عدالت اداری، عدالت و مساوات و عدالت توسعه و غیره بروز کرده است. عدالت اجتماعی امام علی (ع) از دو جهت بی نظیر است، نخست اینکه دیدگاه او از عدالت اجتماعی با ایمان او به عنوان مردی که از عدالت و حکم و وجدان منحرف نشد (صفحه ۶) منطبق و همسان می باشد، دوم اینکه او تنها متفکری بود که به این دیدگاه جنبه ی عملی داد و به عنوان رئیس یک حکومت و یک جامعه وسیع چند ملیتی نظریات عدالت اجتماعی را در چارچوب دین مبین اسلام جامه ی عمل پوشانید. مدت امامت حضرت علی (ع) بعد از پیغمبر (ص) سی سال بود ولی او فقط پنج سال و شش ماه در صدر خلافت و زمامداری کشور بزرگ و وسیع اسلامی و بزرگ ترین قدرت و حکومت دنیای آن وقت قرار گرفت. جهان سازی اسلامی امام علی (ع) با عدالت اجتماعی آغاز می شود و اندیشه ی سیاسی متفکرین اسلامی، چه شیعه و چه سنی، در طول تاریخ، نام علی با نام عدالت قرین شده است. از ابن مقفع و ابو یوسف گرفته تا ابن قتیبه و فارابی، از غزالی و طوسی گرفته تا ابن خلدون و امام خمینی، متفکرین و اندیشمندان اسلامی عدالت اجتماعی را را در آثار اندیشه های سیاسی خود گنجانیدند و از دیدگاه های امام علی (ع) الهام گرفتند. در تمدن باستانی و قرون وسطی غرب، مفهوم عدالت اجتماعی حاصل آلودگی ها و جمع آوری سازمان های بزرگ آن زمان به ویژه مسیحیت، امپراطوری روم و نژاد و ملیت های آلمانی بود. نظریات عدالت اجتماعی در غرب، برداشتی از تورات و انجیل، قوانین و حقوق مدنی روم و متفکرین آلمانی نژاد به شمار می رفت. مفهوم عدالت اجتماعی عصر فئودالیسم اروپا با ظهور انقلاب فرانسه و پیدایش واحدهای جدید بین المللی «ملت- دولت» تغییر نمود و ابعاد و مکاتب مختلف کنونی و رایج امروزی را به وجود آورد. ولی مفاهیم و نظریات متفکرین غرب، از افلاطون تا کانت، از لاک تا روسو، از مارکس تا گاندی و دیگران، آن جامعیت و همگرایی موجود در عدالت اجتماعی امام علی (ع) را دارا نمی باشند. از آثار و نوشته ها و قوانین باقی مانده ی سومری ها و بین النهرین باستانی چنین استنباط می شود که قبل از تاریخ، در آغاز هزاره ی سوم پیش از آنکه حکومت های اقتدار گرا و مستبد ایجاد شوند، جوامع آن روزی از مردم سالاری و عدالت ویژه ای برخوردار بودند (صفحه ۷) و نوع دولت آنها حکومتی از بزرگان و ریش سفیدان جامعه بود که در مقابل مردم مسئولیت خاصی داشتند. ولی با شروع تمدن باستانی و توسعه ی دهات و شهرها، این عدالت و مردم سالاری اجتماعی تدریجا به اقتدار گرایی و استبداد فردی و خانوادگی تبدیل می شود. در دنیای باستان قوانین آشوری ها، بابلی ها، یونانی ها و رومی ها همه از مذاهب بت پرستی سرچشمه می گرفت و عدل و انصاف و منطق در آنها راه نداشت. در سرود معروف به «شماش»، در خدایان آشوری ها و بابلی ها (که شباهت زیادی به خدایان سومری ها به نام «اتو» دارد) حاکمیت از آن دو قاضی است که یکی با قبولی کوزه های شراب، رشوه خوار می شود و دیگری با حمایت از ضعفا، عمر زیادی می یابد. شمارش مظهر عدالت و دارنده ی رستگاری و حقیقت است. در قوانین سومری که الهام بخش قانون نامه ی حمورابی است برای اولین بار از روابط بازرگانی، شرایط وام و ترتیب عقد قراردادهای مختلف سخن آمده است و مردم تشویق شده اند که قبل از مراجعه به محکمه، از طریق داوری عمومی اختلافات خود را حل و فصل کنند. از آنجا که کاهنان سومری از عموم طبقات، مالدارتر و ثروتمندتر و نیرومندتر بودند و این طبقه به دیگران ظلم می کرد و اموال آنها را غارت می نمود، گروهی به رهبری «اوروکاژینا» که در تاریخ باستان به عنوان یکی از اولین اصلاح طلبان معرفی شده است، علیه نظام آن زمان قیام کردند و خواستار اجرای عدالت شدند. افلاطون در مباحث حقوقی و قانونی خود به مقررات ظالمانه ی آن ایام اشاره و از قول کسی که در حال احتضار است شکوه آغاز می کند و می گوید: ای خدایان آیا در پیشگاه شما سزاوار است که مرا در اموال خویش اختیار نباشد و نتوانم آن را به میل خود، میان دوستان، به نسبت محبت هر یک تقسیم کنم؟ به موجب قانون روم، قول زنان و پسران و غلامان اعتبار نداشت و محاکمه ی آنان در خانه انجام می گرفت و قاضی محکمه پدر خانواده بود و در حضور خدایان خانگی (صفحه ۸) حتی حق رای اعدام را داشت. مجموع این عوامل باعث شد که زمامداران یونان و روم، جهت جلوگیری از اعتراضات طبقه ی پایین

و احتمال قیام و آشوب آنها چاره جویی کنند. به موجب الواح دوازده گانه که قبل از کشف قوانین حمورابی از قدیم ترین قوانین مدون به شمار می رفت همه ی اموری که مورد قبول عامه بود قانون خوانده می شد و بدین ترتیب قوانین که زاده ی فکر بشر بودند همیشه در حال تغییر بودند. مثلاً در شهر آتن در یونان به فاصله ی سی سال دوبار مجموع قوانین مدنی به وسیله ی دراکون و سولون تغییر یافت. قوانین دراکون حافظ منافع اشراف ولی قوانین سولون مولود جنبش های اجتماعی آن روز آتن بود. سقراط عقیده داشت که حقیقت فوق عادت و عدالت برتر از قانون است و پس از قتل او بود که بحث در پیرامون مسائل اجتماعی توسط متفکرین مانند افلاطون و ارسطو در زمینه های قانون و عدالت آغاز شد. در مصر و بابل و در میان قوم یهود و دیگر اقوام شرق، آثار ظلم و نابرابری فراوان فراوان بود. مطالعه ی کتاب مقدس بسیاری از این نامساواتی های اجتماعی و اقتصادی را به خوبی مجسم می ساز. در کتاب ارمیا می خوانیم که وضع اخلاقی مردم به قدری تاسف انگیز است که «در کوچه های اورشلیم گردش کرده ببینید و بفهمید و در چهارسوهایش تفتیش نمایید که آیا کسی را که با انصاف عمل نماید و طالب راستی باشد، توانید یافت تا من آن را بیمارزم.» رد بابد بیست و سوم انجیل متی از فساد روحانیون یهودی سخن می گوید. پیدایش مالکیت رواج مبادله و ظهور پول و سود و بردگی، اختلافات طبقاتی را ظاهر کرد و تدریجاً مسأله حق و شخصیت ممتاز حمورابی (د ۲۰۸۱-۲۱۲۳ قبل از میلاد) است که در طی ۴۳ سال سلطنت خود قانون نامه ی تاریخی معروف به حمورابی را تنظیم می کند و در مقدمه ی آن می گوید: خدایان به من که حمورابی هستم فرمان دادند تا چنان کنم که عدالت بر زمین فرمانروا باشد.... این قانون به مدت ۱۵ قرن دوام یافت و دین بابلی که یک آیین زمینی و نه آسمانی، (صفحه ۹) جاهلی بود همواره دنبال خیرات مادی و زمینی می رفت و مفهوم عدالت از تنظیم بندی مادیات زندگی سرچشمه می گرفت. در قوم یهود، قضات و مامورین دیوانی از میان گروه متمولین انتخاب می شدند و با داشتن قدرت اجتماعی و اقتصادی، اغلب حق ضعفا و بیوه زنان و یتیمان و کودکان صغیر بی دفاع را به نفع اغنیا پایمال می کردند. همین جریانات باعث شد عده ای از متفکرین قوم بنی اسرائیل به چاره افتند و خواستار رعایت عدل و انصاف شوند و به تدریج همین بی عدالتی ها بود که آنان را به پرستش خدای واحد (یهود) سوق داد. در همین هنگام است که بودا، در هند، مردم را به سرکوبی شهوات دعوت می کند و کنفوسیوس، در چین، تخم حکمت ویژه ی خود را در میان قوم خویش می افشاند. تا ظهور اسلام، مفهوم عدالت اجتماعی به صورت جامع و به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مورد توجه هیچ یک از ادیان و مذاهب و مکاتب بشری قرار نگرفته بود. وحدت به عنوان یکی از دو عامل منشور اقتدار و قدرت در اسلام از طریق اداره ی عدالت اجتماعی امکان پذیر می باشد. به طور کلی دو طریقه در اجرای عدالت اجتماعی در نظام اسلامی وجود دارد: معنوی و اجتماعی. سازمان ها و نهادها و موسسات معنوی اسلام مسئولیت آموزش و پرورش و اصلاح معنوی و اخلاقی افراد و جامعه را عهده دار هستند و این خود عملکرد د و کار کرد نهادهای اجتماعی نظام را تسهیل می کند. نهادهای اجتماعی به عنوان قوای مجریه، مقننه و قضاییه، مفهوم عدالت اجتماعی را بر مبنای اسلامی پیاده می کنند. نظام اجتماعی اسلامی در متن دو ردیف الهی و اجتهادی که با یکدیگر مربوط می باشند قرار دارند. در حالی که نظام اجتماعی ردیف الهی همیشگی و تغییر ناپذیر است. نظام اجتماعی اجتهادی، احتیاجات ویژه ی امت اسلامی را از طریق تعبیر تفسیر و تحلیل عهده دار می باشد. موضوع عدل در خود قرآن کریم مکرر ذکر شده است و در تاریخ اسلام و در میان مسلمین فصلی طولانی دارد. زیرا یکی از ارکان اسلام اصل عدل است. اصول دین را (صفحه ۱۰) شیعیان پنج چیز می شمارند: توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد. و عدل و امامت اختصاصات در شیعه از اصول دین شمرده شده است. مطالعه و بررسی دقیق عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) از آن جهت مهم است که دوران امامت و خلافت او ابعاد معنوی و اجتماعی عدالت را به طور واضح و روشن بیان می کند و قوانین و حقوق الهی از طریق علم و دانش خود امام به طور مستقیم تبیین می گردد. عدالت اجتماعی رد نهج البلاغه به صورت یک فلسفه و نظریه ی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار می گیرد و به صورت یک ناموس بزرگ اسلامی جلوه می کند. مفهوم عدالت اجتماعی امام

علی (ع) را می توان درسه بعد اصلی: الف) وحدت گرایی و آزاد منشی، ب) حقوقی و سیاسی و ج) اقتصادی و مدیریت یا سازمانی، مورد مطالعه قرار داد. هر یک از این ابعاد نیز تحت پنج عوامل یا شاخه های پیوندی می تواند مورد بررسی قرار گیرد. در مجموع، مفهوم عدالت اجتماعی امام علی (ع) شامل سه بعد اصلی و پانزده بعد فرعی به شرح ذیل است که تمام آنها به هم مربوط و جزء لاینفک عدالت اجتماعی می باشند: الف) اصل وحدت گرایی و آزاد منشی که شامل ابعاد ۱. توحیدی و الهی، ۲. مساوات و برابری، ۳. وحدت و هم بستگی، ۴. آزادی، ۵. جهان سازی اسلامی می باشد. ب) اصل حقوقی و سیاسی که شامل عوامل: ۱. کرداری و رفتاری، ۲. حقوق مدنی، ۳. منافع عمومی، ۴. مسئولیت و پاسخگویی ها و ۵. رای و مشورت است. ج) اصل اقتصادی و مدیریت یا سازمانی که عوامل: ۱. مدیریت و اقتدار، ۲. اصولی بودن، ۳. همه جانبه بودن، ۴. اقتصاد امتی و ملی و ۵. یکسان گردانیدن و تقسیم ثروت را در بر دارد. ما در مطالعه و تحلیل محتویات نهج البلاغه (خطبه ها، اوامر، نامه ها حکم ها و موعظه ها) در می یابیم که در ۱۶ مورد، عدالت اجتماعی به صورت کلی آن و در چارچوب اصل وحدت گرایی و آزاد منشی، در ۳۴ مورد به صورت اصل حقوقی و (صفحه ۱۱) سیاسی و اداری و در ۲۰ مورد به صورت عدالت اقتصادی مطرح و مورد بحث و صحبت قرار می گیرد. اصل وحدت گرایی و آزاد منشی، در خطبه ای که در وصف شگفتی آفرینش گفته شده است با عدالت و مساوات چنین بیان می شود: بزرگ و خرد و سنگین و سبک و توانا و ناتوان در مخلوقاتش نیست مگر آنکه (نسبت به قدرت کامله ی او) یکسان است. در خطبه ای که در حمد و ثنای خدای تعالی است می خوانیم: و بدانید خداوند هرگز رضایت نخواهد داد برای شما به چیزی که بر پیشینیان شما از آن به خشم آمد و هرگز بر شما خشمگین نمی شود به چیزی که بر پیشینیان شما به آن رضایت داده. امام علی (ع) این اصل خلقت، علت، آزادی و مساوات را یک حق بشری و الهی اعلام می کند. نه تنها به عنوان یک متفکر و عالم و پیشوا، بلکه همچنین به عنوان امام و خلیفه و حاکم و رئیس حکومت یکی از بزرگ ترین ممالک پر قدرت دنیا. در خطبه ای که در جنگ و نبرد صفین ایراد می شود، امام علی (ع) به عنوان پیشوا و فرمانده ی کل قوای مملکتی به این حق، مشروعیت سیاسی و اجتماعی و نظامی می دهد. آنجا که می گوید: پس خداوند سبحان از جمله ی حقوق خود برای بعضی مردم بر بعض دیگر حقوق واجب فرموده و حقوق را در حالات مختلفه برابر گردانیده و بعضی آنها را در مقابل بعض دیگر واجب نموده و بعضی از آن حقوق وقوع نمی یابد مگر به ازاء بعض دیگر و بزرگ ترین حق ها که خداوند سبحان واجب گردانیده حق والی (رئیس حکومت) است بر رعیت (شهروندان) و حق رعیت است بر والی و این حکم را خداوند سبحان برای هر یک از والی و رعیت بر دیگری واجب فرموده است و آن را سبب نظم و آرامش برای دوستداری ایشان یکدیگر را و ارجمندی برای دینشان قرار داده، پس حال رعیت نیکو (صفحه ۱۲) نمی شود مگر به خوش رفتاری حکمفرمایان و حال حکمفرمایان نیکو نمی گردد مگر به ایستادگی رعیت در انجام دستور ایشان. پس هر گاه رعیت حق والی و والی حق رعیت را اداء نمود، حق در بین ایشان ارجمند و قواعد دینشان برقرار و نشانه های عدل و درستکاری بر پا و سنت ها در مواضع خود جاری گردد و بر اثر آن روزگار اصلاح می شود و به پایداری دولت و حکومت امید می رود.... در این خطبه و سند که پایه ی حکومت و سیاستگذاری امام علی (ع) می باشد، عدالت اجتماعی به عنوان یک اصل حقوق بشری و الهی اعلام می شود و چنین پدیده ای با امنیت جامعه و ثبات حکومت و مشروعیت آن رابطه ی کاملی پیدا می کند. این خطبه ها در تایید و اجرای آیات مبارک قرآن در تامین عدالت اجتماعی است: لقد ارسلنا رسلنا وانزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه باس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغيب ان الله قوي عزيز. (۱) و ان الله يامر بالعدل و الاحسان و ايتاء ذی القربى و ينهى عن الفحشاء و المنكر و البغى يعظكم لعلكم تذكرون. (۲). هر دو آیه از موضوع عدالت صحبت می کنند. در آیه ی اول، هدف اصلی مکاتب الهی، برقراری عدالت اجتماعی ذکر می شود و در آیه ی دوم، این عدالت اجتماعی به عنوان یک اصل از حقوق و مبانی اسلام معرفی می شود. در ادبیات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی غرب و در آثار متفکرین اروپایی و امریکایی چنین بیان صریح و آشکاری در مورد عدالت اجتماعی و حقوق آن پیدا

نمی شود و نزدیک ترین جملات و منشور ها به آن پس از یازده قرن که از ظهور اسلام (صفحه ۱۳) گذشت، در اواخر قرن هیجدهم میلادی در اعلامیه ی انقلاب فرانسه و در سند استقلال و پیدایش ایالات متحده ی امریکا ذکر می شود، بدون آنکه این گونه نظام ها چنین عدالت اجتماعی را هرگز به مرحله ی اجرا بگذارند. مثلاً توماس جفرسون یکی از متفکرین لیبرال غرب و از مولفین قانون اساسی ایالات متحده ی امریکا، جمله ی معروف «آشکار است که همه ی مردم مساوی خلق شده اند...» را در آن سند گنجانیده بود، درحالی که خود تعدادی برده داشت و سیستم بردگی را نیز محافظت می نمود. او مورد مباحث هموطنان خود قرار داشت و قهرمان «مساوات» و عدالت سیاسی امریکا گردید. تا چه حد متفکرین و روشنفکران غرب مانند جفرسون که مدتی سفیر امریکا در فرانسه بود و بالاخره به مقام سومین رئیس جمهور امریکا رسید، یا آن عده که اعلامیه ی حقوق بشر را در انقلاب فرانسه نوشتند از محتویات قرآن کریم و نهج البلاغه آگاهی داشتند و با اصول اجتماعی و عدالت اسلامی آشنا بودند؟ آنچه مسلم است اصول و معارف اسلامی به ویژه در قرون وسطی از طریق دانشگاه ها و مراکز علمی- مانند غرناطه (گرانادا) در آن زمان که مسلمانان بر اسپانیا حکومت داشتند- به اروپا راه پیدا کرد و بسیاری از دانشمندان اروپای غربی که در مدارس اسلامی اسپانیا آموزش دیده بودند به دقت متون رسالات و آثار اسلامی تسلط پیدا نمودند و از دیدگاه های قرآنی و علوم اسلامی بهره مند شدند. در اسلام، حق، منشا و مبنای مشروعیت هر کاری است و بنابراین آنچه حق نیست مشروع هم نیست. مثلاً- در مورد آزادی، هر آزادی در اسلام حق نیست و نمی تواند مشروعیت داشته باشد. اهدای آزادی به شخصی که حق و حقوق افراد را از بین ببرد نه تنها قانونی نیست بلکه عدالت جامعه را به خطر می اندازد. از نامه های امام علی (ع) به سهل بن حنیف انصاری که از جانب او بر مدینه حکمفرما بود آشکار است که عدل و درستی، شاخص مسئولیت و آزادی در جامعه اسلامی است: عدل و درستی را (از روش ما) شناخته، دیدند و شنیدند و در گوش دارند و (صفحه ۱۴) دانستند مردمی که نزد ما هستند در حق برابرند، پس (بین آنها چیزی تقسیم نمی کنیم مگر با تسویه) گریختند تا اینکه سودی را به خود اختصاص داده و دیگران را بی بهره نمایند. خدا آنها را از رحمتش دور گرداند. در جای دیگر امام علی (ع) می فرماید: تنزل المعونه علی قدر الموهونه! (۳). (کمک و یاری هر کس به اندازه ی نیازمندی (او) خواهد رسید). در بسیاری از ادیان، منجمله مسیحیت بر مساله بخشش تاکید شده است و مراتب والایی را دارا می باشد. در اسلام که یک دین و نظام جامع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است عدالت بر بخشش برتری پیدا می کند. از امام علی (ع) پرسیدند کدام یک از دادگری یا بخشش برتر است؟ ایشان فرمود: دادگری چیزها را به جای خود می نهد و بخشش آنها را از جای خود بیرون می نماید (زیرا جود زیاده بر استحقاق می بخشد) و عدل نگاهدارنده ی همگان است و جود فقط به کسی می دهد که به او بخشش شده، پس عدل شریف تر و برتر می باشد. عدل، امور جامعه و مملکت و امت را در مجرای خود قرار می دهد ولی جود جریان ها و سیاست گذاری ها را از مجرای اصلی خارج می کند. در اینجا امام علی (ع) به جنبه ی اجتماعی عدل و نه تنها به جنبه ی اخلاقی و فضیلت شخصی و نفسانی قضیه تکیه می کند. او اولین متفکر و رئیس حکومتی بوده که عدالت اجتماعی را جزء لاینفک نظام اجتماعی اعلام کرد. قبل از اسلام در سایر نظام ها حق و ذی حقی بود ولی این اسلام و این امامت و (صفحه ۱۵) خلافت علی (ع) بود که این منشور و اصول را جزو سیاست گذاری و قانون اساسی روز خود قرار داد تا هر حقی به ذی حق خود برسد. حق و عدالت یک امر واقعی در حکومت علی (ع) بود و نه یک نظریه یا فرض خیالی. جنگ های جمل و صفین در حقیقت جنگ جمود و رکود فکری و بین روشن اندیشی و عدالت اجتماعی بود. تصلب و انعطاف ناپذیری در امر عدالت اجتماعی و در آغاز اولین دوره ی نظام وسیع و جهان سازی اسلامی برای امام علی (ع) دشمن ها درست کرد و همان طوری که بارها توسط نویسندگان و تاریخ شناسان اظهار شده است ایشان قربانی جموده گردید و به شهادت رسید. نهج البلاغه نشان می دهد که دستورهای اسلام تابع حسن و قبح واقعی بوده و حق عدالت اجتماعی نه تنها واقعیت داشته بلکه به رسمیت شناخته شده است. چنین حق عدالت اجتماعی نه تنها واقعیت داشته بلکه به رسمیت شناخته شده است. چنین حق عدالت اجتماعی از قانون خلقت

کسب شده است. تکلیف و حق از یکدیگر در نظام اسلامی جدا نیستند. در اینجا دیدگاه امام علی (ع) در مورد عدالت اجتماعی با دیدگاه بسیاری از متفکرین دیگر که قرن های بعد در این مورد سخنوری کردند و نظریه دادند کاملاً متفاوت می باشد. نظریات حقوق قرار دادی طبیعی که مبنای نظریه های عدالت اجتماعی در بین متفکرین غرب از جمله امانوئل کانت شد بر پایه قراردادهای اجتماعی و فردی بین افراد گذاشته شده است و این پدیده از جنبه و دیدگاه «خردگرایی مختاری» مورد توجه قرار می گیرد و اخلاق فردی در آن حاکم می باشد. امام علی (ع) عدالت اجتماعی را با مسئولیت اجتماعی و مسئولیت اجتماعی را با رابطه ی غایی میان انسان و مواهب عالم خلقت که یک رابطه ی کلی و عمومی است بیان می کند. او رد روزهای اول حکومت خود جمله ای به مردم فرمود: (صفحه ۱۶) فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم (۴). (شما مسئولیت دارید و مکلفید و حقوقی بر عهده شما هست حتی نسبت به چارپایان و نسبت به زمین). عدالت اجتماعی غرب بر مبنای حقوق مادی بنا شد و اغلب با فعالیت و تولید اقتصادی سر و کار دارد. در اسلام این عدالت اجتماعی با آزادی و مساوات و الغای امتیازات و معنویات الهی همراه است. جهان گیری نظام اسلامی در آغاز ظهور اسلام و جهان شمولی و جهان سازی اسلامی دقیقاً بر چنین عدالت اجتماعی تکیه دارد. مفهوم عدالت اجتماعی امروزی در غرب بر حق افراد و حق دولت ها تکیه می کند و منظور از دولت ها، دولت ملی یا نظام «ملت-دولت» چند قرن اخیر است. خیانت به حق افراد و حق دولت بالا-ترین خیانت ها در غرب بوده و بزرگ ترین جرایم را در بر دارد. در اسلام حقوق مردم، احترام فوق العاده ای دارد و خیانت در حقوق عمومی بالا-خص خیانت به جامعه و امت، بزرگ ترین خیانت ها می باشد. خیانت معاویه را تنها در این چارچوب می توان درک کرد. عدالت اجتماعی در اسلام فوق العاده مقدس و حقوق افراد فقط در این دایره قابل درک است. به عبارت دیگر اگر سازمان اجتماعی و مقررات و قوانین اجتماعی موزون و متعادل نباشد اخلاق شخصی و حقوق افراد موزون نخواهد بود. وحدت اسلامی در مرکزیت این عدالت اجتماعی قرار دارد: و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا و اذكروا نعمه الله عليكم اذ كنتم اعداء فالق بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخواناً... (آل عمران: ۱۰۳) (همه با هم به ريسمان الهی بچسبید و متفرق و مشتت نشوید، آن وقت را به یاد بیاورید که با هم دشمن بودید، نسبت به هم کینه و عداوت و حسادت داشتید خداوند به وسیله ی اسلام دل های شما را به هم مهربان کرد). (صفحه ۱۷) مطابق این آیه، وحدت و عدالت دو طرف یک سکه هستند. امام علی (ع) در نخستین کلام خود تحت عنوان توحید و قرآن، شیواترین سخنان را در نهج البلاغه ایراد می فرماید، در آنجا که به حضرت محمد (ص) اشاره می کند و می گوید: او موهومات طبقاتی را لغو کرد و مسلمانان را در مقابل قانون مقدس قرآن، بدون استثنا مساوی و برابر قرار داد، دیگر توانگران خیره سر، که از میراث دیگران سیم و زر اندوخته بودند و بر کارگران تهی دست و زحمتکش کبریا و آقایی می فروختند نمی توانستند از موقعیت منحوس خویش استفاده کنند. وی در حقیقت احساسات خود را نسبت به رسول خدا و پیشوای خود، با کلماتی فصیح ظاهر می سازد. در دو جلد کتاب غرر الحکم و دررالکلم تالیف علامه عبدالواحد تمیمی آمدی که به گفتارهای امام علی (ع) داده شده است ۷۱ گفتار درباره ی عدالت، ۸۳ گفتار در باب حق و گفتارهای متعددی در مورد ستم، حق خداوندی و غیره ذکر شده است. مطالعه و بررسی و تحلیل این گفتارها نشان می دهد که تفکیک عدالت اجتماعی از عدالت اقتصادی یا عدالت سیاسی و اداری در سخن امام علی (ع) مشکل به نظر می رسد زیرا عنوان عدالت اجتماعی، تمام این ابعاد را به طور جامع در بر دارد. مثلاً- دادگری افزون ترین دو سیاست است: «دادگر باش تا فرمانده باشی» و «دادگری کن تا حکومت کنی». عدالت روح گواهی است و جان حکم هاست. نیکویی عدالت نظام خلق است و بهترین سیاست ها عدل می باشد. برای سیاست کردن مردم، عدل کفایت می کند و سیاست و کمال عدل سه چیز است: نرمی در دور اندیشی، به نهایت رسانیدن در دادگری و احسان در میان روی. از دیدگاه امام علی (ع) «عدالت زندگی است» و «عدل و داد نظام فرمانروایی است». دولت عادل از امور ثابت و پابرجاست. برای امام علی (ع) «آزادگی از کینه و حيله پاک است» و «برای آزاد منشان پاداشی نیست مگر اعزاز و احترام». حق (صفحه ۱۸) شمشیری است برنده، شمشیری علیه اهل باطل. برای حق دولتی است و

هر که با حق بجنگد گرفتار شود. او می فرماید: خداوند سبحان حقوق بندگان را مقدمه ی حقوق خویش قرار داده، پس کسی که قیام به حقوق بندگان خدا کرد این عمل کشیده می شود به قیام نسبت به حقوق خدا (یعنی اگر کسی حقوق بندگان را مراعات نمود و آنها را ضایع نکرد حقوق پروردگار را هم ضایع نخواهد کرد). یکی از مهم ترین اسناد تاریخی در مفهوم و سیاست گذاری عدالت اجتماعی، فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر فرماندار مصر می باشد. این سند به تنهایی تمام جوانب اصل وحدت گرایی و آزاد منشی، اصل حقوق و سیاسی و اصل اقتصادی و مدیریت و سازمانی را به طور شیوا و جالبی خلاصه می کند. من در تاریخ سیاسی و دولت سندی سراغ ندارم که به این تفصیل و دقت مراتب فرمانداری و حکومت را در الگوی یک گفتار و سیاست گذاری عدالت اجتماعی به این زیبایی و فصاحت کلام بیان کند. در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین المللی به ویژه در غرب کم تر به این سند و فرمان توجه شده است. ولی فرمان امام علی (ع) به عنوان ریاست یک حکومت و نظام پر اقتدار وقت جهان به یکی از فرمانداران خود در امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی باید بیش از آنچه تا به حال روان بوده مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران قرار گیرد. مرکزیت این فرمان در عدالت اجتماعی است و ابعاد چهارگانه ی آن عبارت از ۱. خدا سالاری، ۲. مردم سالاری ۳. شایسته سالاری، ۴. دیوان سالاری، است. امام علی (ع) در این یادداشت و سند مهم در واقع نظریات، الگو و تئوری خود را درباره ی عدالت اجتماعی به صورت یک فرمان سیاست گذاری به فرماندار مصر پیاده می کند. در این فرمان امام و خلیفه ی امت اسلامی نظریات خود را درباره ی انصاف، ستم، میانه روی در حق، برابری و مساوات، آزادی، وزارت، انتقاد، مشورت، حد و فصل اختلافات، مالیات، پاسخگویی به مردم، نویسندگان و تجار صنعت گران، خود کفایی، مشروعیت حکومت، سپاه و (صفحه ۱۹) دیوان سالاری و به طور کلی عدل و درستی بیان می کند. گرچه تشریح و تحلیل فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر خود احتیاج به یک رساله جداگانه دارد ولی یک نگاه کوتاه و مختصر به مجموعه و چکیده هایی از این سند در تبیین مفهوم عدالت اجتماعی امام و پیشوای مسلمین، ضروری به نظر می رسد. این سند با این جمله که این فرمانی است که بنده ی خدا امیرالمومنین به مالک اعطا می کند شروع می شود. یعنی حاکمیت و مشروعیت امام و رئیس حکومت از خداست. به استناد این فرمان، مالک اشتر مأمور است که شئون اجتماعی و اقتصادی مصریان را تحت نظر مستقیم خویش در آورد و به آبادی و عمران آن مملکت جدا قیام کند. به عبارت دیگر فرمانداری تنها یک سمت سیاسی و تشریفاتی نیست بلکه رفاه اجتماعی، مالیات، بودجه، برنامه ریزی اقتصادی مردم را در بر دارد و توسعه ی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و نظامی و فرهنگی در مفهوم عمران اسلامی خلاصه می شود. فرمان می گوید ای مالک تو کشور مصر را به زیر فرمان خواهی آورد، یعنی نظام و امنیت کشوری وظیفه ی تو و جزوی از مشروعیت فرمانداری است و از سپاه بی کران اسلام در صحرای وسیع آفریقا سان خواهی دید. در اینجا از اسلام به عنوان یک نظام و ابر قدرت اصلی و توحیدی روز با مأموریت جهان شمولی ویژه ی خود یاد آوری شده است. انصاف و عدل سرلوحه ی برنامه ی حکومت و دادگاه خانه ی ملت است و قانون حق عموم. در این یک جمله به تنهایی تمام ابعاد و اهداف عدالت اجتماعی خلاصه شده است. فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر می گوید فریاد بندگان را گوش کن و از خشم بترس که نمونه ای از خشم خداوند قهار است. در اینجا مردم سالاری و خدا سالاری عدالت اجتماعی به خوبی آشکار است و مسئولیت و پاسخگویی به خداوند و مردم اساس حکومت می گردد. در فرمان به روشنی و فصاحت یادآوری می شود که همیشه با توده ی مردم باش و از آن امت، تا مردم از آن تو باشند. آنجا که می گوید: هیچ می دانی که بدترین وزیران در دولت تو از کدام هیئت انتخاب می شوند، آن وزیر شریر و آن عنصر (صفحه ۲۰) پستی که در دربار ستمکار پیش از تو وزارت داشته و مصدر امور بوده است. از آن نا نجیب سخت بر حذر باش. اینان از پستان ستم شیر خورده اند و جرثومه ای بیداد و طعم در ذات وجودشان خانه کرده و ریشه دوانیده است. دیوان سالاری امام علی (ع) در لا به لای این کلمات به عالی ترین و واضح ترین طریق خود جلوه می کند. فرمان ادامه می دهد و به مالک می گوید: مالکا بر آن وزیر آفرین باد که چون خداوند تاج و تخت را در پرتگاه ظلم ببیند از خشم زمامدار اندیشه نکند. مبدا که در حکومت

تو خادم و خائن یکسان باشند. یعنی انتقاد و نصیحت در حکومت اسلامی آزاد و حتی واجب می باشد و فساد اداری با عدم توجه به شایسته سالاری و درستکاری به وجود می آید. امام علی (ع) به مالک اشتر دستور می دهد که از مجامع عمومی جلوگیری مکن، زیرا این اتحاد، امت را به وحدت کلمه نزدیک کند. آزادی بیان و تجمع در امت اسلام از اصول حکومت است. آنجا که می گوید سربازان را آنچنان بی نیاز و چشم و دل سیر نگاه دار که گوهر را با خاک فرق نهند و ثروت جهان در نظرشان خاشاکی ناچیز جلوه نماید. یعنی ارتش و قوای نظامی، اقتدار و نیروی خود را از اسلحه و تکنولوژی تحصیل نمی کنند بلکه از ایمان و سازمان و تشکیلات و رفاه عمومی. اقتصاد و بیت المال مردم و تقسیم عادلانه ی بودجه و ثروت از اهداف اصلی این عدالت اداری می گردد، وقتی که می خوانیم، امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می فرماید: وای بر تو، وای بر مصر و وای بر ملت اگر سربازان و سپاه گرسنه و ناچیز باشند زیرا تهی دستان را می توان فریب داد، ای سردار من به جهت تکمیل سازمان دولتی در ایجاد دادگاه ها و مراکز عدالت ناگزیر هستی. با چه زبان سفارش کنم که داوران و قضات را از نخبه ی دانشمندان که به زینت علم و فضیلت اخلاق تا حد نهایی آراسته باشند انتخاب کنی و همواره کارمندان دولت خود را سیر نگه دار. اصلاحات اجتماعی و حکومتی بدون عدالت اجتماعی غیر ممکن است. زیرا به مالک اشتر در این فرمان صریحا دستور داده شده است که آنچنان قاضی را به بذل مال و افزایش حقوق توانگر ساز که در دادرسی مردم، دهان به رشوه نیالاید، زیرا (صفحه ۲۱) کشور جوانان اسلامی در گذشته محیطی پر فجایع و افتضاح بود، اشرار حکومت می کردند و اوباش. زمانی که عثمان بر مسند خلافت تکیه زد و هنگامی که دستگاه ساده ی زمامداری و خلافت به تدریج پر تجمل گردید و به جای تقوی و امانت، مال و مقام ظاهری مورد و ملاک شخصیت های اداری و تقسیم بیت المال و خزانه ی کشور شد امام علی (ع) تحت عنوان پیشوا خطابه ای در اولین روزهای خلافت خود ایراد کرد و ابعاد سیاسی و اقتصادی و مالی عدالت اجتماعی خود را چنین بیان نمود: آنکه پیش از من بر این کشور بزرگ حکومت می کرد قانون اسلام را ناچیز انگاشته و تا دورترین مرزهای این سرزمین دست تعدی و ظلم دراز کرده بود. امروز که دست انقلاب و آشوب او را از کاخ صدارت پایین آورده باز هم دیده می شود که بدعت سابق به صورت شراره های نیم خاموش در میان جامعه دود فتنه و شرارت را برانگیخته و آتش نفاق را دامن می زند. به خدای توانا سوگند چنان نقشه ی حدود و حقوق را با هندسه عدل و داد ترسیم کنم که پشیزی از دارایی بینوایان بر گردن اشراف باقی نماند. باز هم بر هر چه مقدس است قسم پول هایی که از ثروت دیگران به کابین زنان رفته و قباله ها بر املاک بدان وسیله تنظیم شده است به دست عدالت باز گرفته خواهد شد و آن اسناد و مدارک که به امضای ظلم ننگین است به هیچ وجه به رسمیت نخواهیم شناخت. از دیدگاه امام علی (ع) مقتضی عدالت اجتماعی، مساوات است در شرایط حقوقی مساوی و نه در شرایط نامساوی که تبعیض در آن دخالت داشته است. عدالت این است که حق هر ذی حق به وی برسد، جامعه ای که امتیازات مرحوم در آن بی اعتبار است. در خطبه ی جنگ صفین، امام علی (ع) امت خود را به همکاری و مشورت با یکدیگر تشویق کرده می فرماید: پس از حق گویی یا مشورت به عدل خودداری ننمایید زیرا من برتر نیستم از (صفحه ۲۲) اینکه خطا کنم و از آن در کار خویش ایمن نمی باشم مگر آنکه خدا از نفس من کفایت کند آن را، که او به آن از من مالک تر و تواناتر است. در اینجا امام علی (ع) تشویق می کنند که با او بی پروا حق را بگویند و آنچه را درست و به عدل می دانند بیان کنند و گرچه امام معصوم و منزله از خطاست، اقرار به این است که عصمت آن امام از جمله نعمت های خداوند متعال بوده و عدالت اجتماعی جایگاه بسی بزرگ در اندیشه ی ایشان دارد. از نظر او در عدالت سیاسی باید لیاقت مقام و منصب را داشت و نباید به قدرت حریص بود. فردی که دستخوش هرج و مرج توده ها و افکار عمومی باشد، عقل او را رهبری نمی کند. بالا بردن مقام خانواده در خلفای پیشین، به تنهایی یک رویه ی متداول شده بود. انگیزه ها و اغراض شخصی در بسیاری موارد سیاسی از دیدگاه امام علی (ع) به نفع عمومی نبود، زیرا منظور اصلی اغلب برداشتن رقیب خطرناک از سر راه خود بود. این پدیده را آشکارا از رفتار طلحه و زبیر که بیعت امام علی (ع) را شکستند مشاهده می کنیم. اطلاع رسانی امام علی (ع) به امت یکی از اصول

عدالت اجتماعی او بود و او مردم را مخاطب ساخته می فرماید: قسم به کسی که او را به حق فرستاد سخت زیر و رو و درهم آمیخته شوید، س اس غربالی و از هم جدا گردید و بر هم زده شوید آنچنان که کفگیر در ته دیگ طعام زنند تا پست ترین فرد شما به بالاترین مقام رسد و افراد برتر به مقامات پست. کسانی که عقب مانده بودند سبقت گیرند و جلو افتند و سابقه داران با قدر و منزلت عقب می مانند که به خدا قسم نه به اندازه ی سر سوزنی (حقیقت را) پنهان کردم و نه هیچ نوع دروغی گفتم و نسبت بدین موقعیت و بدین روز با خبر بوده ام. همه ی مورخین معتقدند که او از شدت حق خواهی و اتکای به اصول عدالت اجتماعی (صفحه ۲۳) در امت اسلامی بود که بالاخره مجبور شد ولایت را بپذیرد و این مشکل را بر خود تحمیل کند. او آنچه را احساس می کرد با مردم در میان گذاشت. امام علی (ع) سخنگو ندارد و در زمامداری او که حکومت اسلامی به سه قاره ی دنیا رسوخ کرده، سیاست مساوی است با عدالت اجتماعی و توحید. عدالت مطلق، پایه ی عدالت اجتماعی امام علی (ع) را تشکیل می دهد. در حکومت عمر و سپس در خلافت عثمان یک گونه عدالت اقتصادی نسبی به وجود آمده بود. مثلاً عمر دستور می داد غنیمت سرشار جنگی را بر طبق قدر و منزلت و قدمت افراد تقسیم کنند. امام علی (ع) روز دوم بیعتش در مسجد بر پا خاست و سیاست عدالت مطلق خود را چنین بیان نمود: مردم!... من یکی از افراد شما هستم، نفع من نفع شما و ضرر من ضرر شما است و من شما را به راه و روش پیغمبرتان می برم و دستوری را در میان شما اجرا می کنم که بدان مامورم... آگاه باشید هر زمینی را که به کسی به تیول داده است و هر مالی از مال خدا را که بخشیده است به بیت المال برمی گردد. هیچ چیزی حق را باطل نمی کند. اگر ببینیم که زنان با آن مال ها ازدواج کرده اند و کنیزکان به مالکیت درآمده اند و در شهرها پخش گردیده است همه را بر می گردانیم، چه بدون شک، در عدل گشایشی است، کسی که از حق به تنگ آید، ستم بیش تر او را در تنگنا قرار خواهد داد.... بدین ترتیب او خطوط کلی سیاست خود را که بر عدالتی همه جانبه و همگرا مبتنی بود ترسیم کرد. امام علی (ع) با شرافت مبارزه نمود و همه ی مسلمانان را با تمام اختلافی که از لحاظ نژاد و زبان داشتند در این سیاست گذاری که مبتنی بر عدالت مطلق بود شریک نمود. از این جهت او معنای جدیدی به امارت و سیاست می دهد و از دیدگاه او اسلام مکتب فداکاری و گذشت و قانون ابدی و طبیعی عدالت و برابری است. این اصل عدالت اجتماعی که امام علی (ع) از آن صحبت می کند چیست؟ اصلی است جهانی. این اصلی (صفحه ۲۴) است که تمام مسلمین را علی رغم تفاوت های فرهنگی، زبانی، نژادی، جغرافیایی مساوی و برابر و در مقابل حکومت الهی و قانون یکسان می شمارد. نه اعراب را بر غیر اعراب برتری و فضل است نه خاصان را بر عوام و نه رئیس دولت را بر کارمند و مالیات بده. او به آینده ی دور نظر دارد. زیرا محیط اسلام باید با محیط امپراطوری های دیگر مانند روم و ایران در گذشته فرق داشته باشد. در عدالت سیاسی و اقتصادی امام علی (ع)، زمامداری یک وسیله ی است و نه یک هدف. زمامداری، وسیله ای است برای رسیدن به اهداف ارجمند یعنی تثبیت و استقرار انسانیت بر مبنای توحید. از دیدگاه او هر کس پس از او زمامداری را به عهده بگیرد، اگر دادگر بوده است خدا به وسیله ی دادگریش او را نجات می دهد، و اگر ستمگر بوده است، صراط چنان او را به لرزه در می آورد و تکان می دهد که بندهایش از هم جدا می شود. پس در این صورت راه زمامدار باید راه کتاب خدا باشد: عدالت برای همه ی مردم از سوی همه ی مردم، احساس عدالت الهی کردن است و این از طریق ایمان صورت می گیرد. عدالت اجتماعی در اینجا وفاداری به امانت اجتماعی است. زیرا عدالت پروردگار رساتر و فراگیرنده است. عدالت در این الگو دو قطب دارد: حق خود و حق دیگران. وحدت و گرد آوردن مردم به صورت یک واحد^۲، هر دو حق را تکمیل می کند. آزادی در اینجا مدلول رهایی پیدا می کند. هر نوع ربوبیتی جز ربوبیت الهی نفی شده است. مهم ترین رکن این عدالت اجتماعی مساوات کامل میان افراد یک جامعه، در محصول عمل همگانی است و چنین جامعه ای امت اسلامی می باشد. در عدالت اجتماعی امام علی (ع) همگی در انسانیت یکسان و همگی از افراد مجتمع خود هستند ولی این شرایط به تنهایی کافی نیست. زیرا به دنبال گفتار، کردار می آید و عدالت اجتماعی یک عدالت بر مبنای کردار، اوامر و آیین اسلامی است. رای و مشورت در چنین جامعه ای از اهداف عدالت اجتماعی است و آن

منافع عمومی را تعیین می کند. او در پنج سال و چند ماهی که حکومت و خلافت (صفحه ۲۵) را عهده دار بود در میزان وظایف و حقوق حاکم همان وظیفه و مسئولیت سنگینی را بر عهده داشت که حکومت شدگان داشتند. مسئولیت و پاسخگویی از ارکان عدالت سیاسی او بود و از انتقاد رویگردان نبود. امام علی (ع) در این باره می فرماید: ... هر دستوری به شما داده می شود اجرا کنید و هر کجا شما را باز داشتند در همان جا متوقف کنید، در هیچ موضوعی شتاب نورزید تا آن را برایتان روشن گردانیم. زیرا در هر موضوعی که مورد اعتراض هم است ما عذری داریم.... بررسی و مطالعه ی آثار و سیاست گذاری امام علی (ع) به خوبی نشان می دهد که واژه هایی مانند «اقتصاد ملی»، «منافع ملی»، «رفاه عمومی»، «جهان سازی و جهان شمولی»، اختصاص به عصر کنونی و نظام های امروزی ندارد بلکه بدون شک و شبهه در دوره ی زمامداری او به عنوان اقتصاد و خزانه داری مسلمین، منافع امت، رفاه مومنین خصایص ویژه ی خودشان شناخته شده و مراتب بس پیچیده ای را طی نموده است. در آن روزگار ملیت ها به عنوان ملت وجود نداشتند. ملت به عنوان مجموعه ای از یک جامعه و کشور ویژه وجود داشت ولی ملی گرایی امروزی به تعریف و معنی معاصر فرهنگی به مراتب بالاتر و آزاد منشانه تر از وضع کنونی بود. مجتمع آن روز چنان مردمی، در فرهنگ و زبان های مختلفش مجتمعی بود که رد کنه و درون رنگ جامعه خانوادگی داشت و ریشه اش قبیله و عشایر و اقوامی بود. اسلام این ملیت و قومیت و خانواده های مختلف را تحت یک نظام سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بسیج کرده بود. محور اصلی فکری کلی که اجزا و واحدهای آن برگرد آن محور بچرخند در اسلام پیدا می شد و اسلام بدون منشور عدالت اجتماعی نمی توانست این بسیج و گروه هایی جهانی را جامعه ی عمل ببوشاند. از امام علی (ع) پرسیدند: ثروت چیست؟ او جواب داد «دارایی، ریشه ی (صفحه ۲۶) شهوت هاست». گفتند قدرت چیست؟ امام پاسخ داد: «کالایی از بین رفتنی و بهره ای دگرگونی پذیر، معامله ای است پر غبن مگر اینکه به عنوان وسیله ای برای برتر بودن دین و تحکیم انسانیت انسان مورد استفاده قرار گیرد». و اما دنیا چیست؟ گفت: «چگونه حلالش باید حساب داد و در برابر حرامش کیفر دید!». او به گردش ثروت معتقد بود و از نظر ایشان اصل در مال و ثروت این است که میان مردم دست به دست گردد، نه اینکه در انحصار گروه ویژه ای از جامعه باشد. تازگی عدالت اجتماعی به ویژه در زمامداری امام علی (ع) و استواری دین و ایمان دو عامل اصلی در تشکیل موج های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی صدر اسلام بودند. سوالی که البته می توان در این مقاله ی کوتاه مطرح کرد این است که تفاوت و اشتراک مکاتب چند قرن اخیر و امروزی عدالت اجتماعی با آنچه که از دیدگاه امام علی (ع) به اختصار بیان شد چه می باشد؟ در اینجا نخست ما باید به تعریف عدالت اجتماعی از دید متفکرین غرب پردازیم. عدالت در تاریخ اندیشه ی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی غرب با مساوات و برابری ارتباط دارد. از آغاز سخنوری فلسفه ای در غرب مفهوم عدالت و جایگاه آن در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی همیشه با مفهوم برابری همراه بوده است، ولی درباره ی اینکه برابری و مساوات چه هستند عقاید و مکاتب مختلفی وجود دارد. از این جهت ایده ی عدالت اجتماعی بین متفکرین، از اصل بدون بحث و اختلاف می باشد و از یک جهت اندیشه های متفکرینی مانند ارسطو، هیوم و حتی کانت را که کاملاً متفاوتند به هم وصل می دهد. امروز سه نظریه یا تئوری اصلی درباره ی عدالت اجتماعی در غرب متداول است: ۱. نظریه ی تمامیت و کمالات (۲)، (Perfectionism). نظریه ی اصالت مطلوبیت که به سودجویی معروف است (۳)، (Utilitarianism). نظریه ی حقوق طبیعی قراردادی (Contractarian natural rights). (صفحه ۲۷) در هر یک از این سه نظریه، ما مفهوم و معنای مختلفی از برابری و یکسانی و مساوات مشاهده می کنیم. در نتیجه هر یک از این نظریات از جنبه ی عملکرد عدالت اجتماعی، کارکردهای متفاوتی را دارا می باشند. تمایز اصلی، همان طوری که ملاحظه خواهیم کرد، بین نظریه ی تمامیت و کمالات از یک طرف و نظریات اصالت مطلوبیت و حقوق طبیعی قرار دادی، که به مساوات عمومی پابند می باشند، وجود دارد. نظریه ی تمامیت و کمالات که یک نظریه ی قابل ملاحظه ی اخلاقی در افکار باستانی ارسطو و در اندیشه های معاصر نیچه می باشد معتقد است که انسان می تواند در اخلاق یا دیانت به حد کمال برسد و در این چارچوب مفهوم رسمی عدالت، وزن و

محتوای مادی پیدا می کند. بر طبق این نظریه، افراد یکنواخت می باشند و همه می توانند کیفیت های عالی را دارا باشند. بنابراین دو نویسنده که هر دو مرتبه ی عالی را دارند یک نوع باید به آنها پاداش داد و ملاحظه نمود. نظریات اصالت مطلوبیت و حقوق طبیعی قراردادی، این جنبه ی پایه ای مساوات را قبول دارند ولی در کردار و عمل، وزن ها و معناهای متفاوتی بدان قایل می باشند. نظریه ی اصالت مطلوبیت که از ریشه ی یونانی به معنای «سود» یا «امتیاز» گرفته شده یک تفسیر فلسفی است که بر پایه ی آن مطلوبیت عامل حرکت و غایت حیات اخلاقی است و این در عدالت اجتماعی نتایج اساسی به وجود می آورد. بنتام، استوارت میل و هنری سیدونیک اساس این نظریه را بر دو قطب لذت الم قرار می دهند، یعنی هر فردی کوشش دارد لذتش را بیشتر و درد و المش را کم تر کند و چون یک جامعه و کشور از چنین افرادی تشکیل یافته، پس قوانین و دولت تماما هدف خود را بر تامین این سعادت فردی قرار می دهند. دولت و حکومت ها نیز برای تضمین همین منظور، به وجود آمده است. این نظریه، عدالت اجتماعی را حساب کردن مساوی لذت ها و دردها می شمارد، یعنی لذت و درد هر فرد باید به طور تساوی و برابری مورد توجه قرار گیرد، علی رغم و صرف نظر از خود آن فرد. در اینجا نظریه ی اصالت مطلوبیت انسان ها و افراد را به طوری تساوی تشخیص داده و نمی شناسد بلکه به (صفحه ۲۸) تساوی لذات و درد عقیده دارد. نظریه ی حقوق طبیعی از آنجا قراردادی نامیده می شود که آزادی و اختیار فرد را برای حفظ و بقای خود و در رابطه ی قراردادی با یکدیگر در نظر می گیرد. هر کسی برای حفظ منافع خود از طریق استقلال خود گرایی، باید با یک مقررات عدالت و یا حقوق سیاسی موافقت کند. افراد در این نظریه مساوی می باشند ولی تفسیر و معنای این مساوات با شخصیت اخلاقی فرد سرو کار دارد. این نظریه اصولا- از طرف کانت به صورت مفهوم خرد گرایی خود مختاری ارائه شده است. نتیجه ی اصلی این گونه خرد گرایی اصل تساوی آزادی است. به معنی ساده، موسسات و نهادهای یک جامعه باید به طریقی سازمان دهی شوند که فرد بتواند بالاترین فرصت را پیدا کند و آزادی هایی که به دیگران اعطا شده او نیز دارا باشد. نابرابری در موسسات و نهادهای سیاسی و اقتصادی مانند درآمد، ثروت، مالیات، تجارت و غیره وقتی اجازه داده می شود که این تفاوت ها به نفع و سود همه ی جامعه باشد. به طور خلاصه تحت این نظریه، آزادی ها فردی بر آزادی های جمعی اولویت پیدا می کند. ----- سوره ی حدید: ۲۵. سوره ی نحل: ۹۰. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۹. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۶۷.

تناقضات عدالت اجتماعی

تناقضات در مورد عدالت اجتماعی، در تفسیر این سه نظریه واضح است. برای مثال، استوارت میل در آثار خود به سختی از آزادی بیان افراد دفاع می کند و مدعی است: ۱. فقط چنین آزادی حقیقت را تامین می کند، ۲. حقیقت و راستی از دروغ و نا راستی از این جهت قابل تحصیل است و بالاخره ۳. اینکه راستی و حقیقت وزنه ی بهتری پیدا می کند زیرا با استقلال فکری همراه است. در این بحث موضوع اصلی سودجویی است و تعلق به مکتب اصالت مطلوبیت دارد. چرا آزادی کامل و تمام بیان حقیقت را آشکار می کند؟ اگر مقصود ما یافتن حقیقت و درستی است مگر منابع بهتری غیر از آزادی فرد پیدا نمی شود؟ چرا این ماموریت را به دوش یک عده ی معدودی که کارشناس و عالم هستند واگذار نکنیم؟ از کجا معلوم که آزادی توده ها و افراد به حقیقت و راستی راه پیدا خواهد کرد؟ ادعای سوم میل اصلا سود جویانه نیست و با نظر اصالت مطلوبیت موافقت (صفحه ۲۹) ندارد، زیرا او می گوید آزادی سخن و بیان به خودی خود خوب است. در بین متفکرین امروزی عدالت اجتماعی مفهوم لیبرالیسم با نوشته های روبرت نودیک که ادعا دارد وجود عدالت اجتماعی فقط برای حفظ آزادی های فردی می باشد همراه است. اندیشمند دیگری در رشته ی فلسفه و عدالت اجتماعی، جان رالز و نظریه ی عدالت او است. رالز به همراه کانت ادعا دارد که تعدادی از ابعاد «وظایف طبیعی» و «اصول انصاف» که در مورد فرد به صحبت می آید می تواند پایه ای برای نظریه ی عدالت بر مبنای تئوری عملکرد راستی باشد. نظریه ی او نوعی از روایی سازی کانت در باب اخلاق می باشد و اساس صحبت او در قراردادهای اجتماعی رو سو ریشه پیدا

می کند. رالز کوشش دارد با استفاده از آثار کانت، تئوری عدالت اجتماعی خود را به عنوان «انصاف» توسعه دهد، گرچه مفهوم «انصاف» لزوماً به نوشته های کانت به تنهایی محدود نمی باشد و. تناقضات موجود بین «آزادی» و «برابری یا مساوات» در این آثار غرب در مورد عدالت اجتماعی صریحاً آشکار نمی شود و رالز به آن اعتراف دارد. دیدگاه کانت مفهوم عدالت را با مفهوم ویژه ای از فرد همراه دارد و او این نوع فرد را «آزاد» و «برابر» می داند و معتقد است که از جنبه ی عقلانی و مدلولی، افراد توانایی و مسئولیت عمل خود را به عهده دارند.

افکار لاک و روسو و عدالت اجتماعی

مفهوم عدالت اجتماعی همچنین با افکار دو تن از اندیشمندان اروپایی لاک و روسو همراه می باشد. لاک بر آزادی و زندگی مدنی و روسو بر مساوات سیاسی و زندگی عمومی تاکید دارند. این دو مفاهیم عدالت اجتماعی با «جامعه ی منظم» و «فرد اخلاقی» سرو کار دارند. چنین جوامعی طبق این نظریات باید با مفهوم عدالت اجتماعی نظم پیدا کند و این بستگی کامل به روابط افراد با یکدیگر و قراردادهای اجتماعی با دولت و نظام دارد. کوتاه سخن اینکه مفهوم عدالت اجتماعی به عنوان «انصاف» از طریق خود مردم تعیین می شود و نه منابع دیگر و بنابراین قوی و ضعیف بودن چنین نظریه و عملی با تصور و انگاره ی مردم از یکدیگر رابطه دارد. بنابراین در نظریه ی جان رالز می خوانیم که (صفحه ۳۰) ابعاد عدالت با آزادی های اصلی مانند آزادی فکر و اندیشه و وجدان، آزادی رفت و آمد، آزادی قبولی نسبت های سیاسی و اقتصادی، آزادی ثروت و بالاخره با آزادی احترام به خویشتن مربوط می باشد. منظور نهایی وادار کردن مردم به شناخت جایگاه اجتماعی را با مفهوم آزادی و مساوات در یک ردیف قرار و به هم ارتباط می دهند، تحقیقات قرن اخیر نشان می دهد که از جنبه ی عملی - نه نظری - چنین وصفی در نظام های غربی کم تر حقیقت پیدا کرده است. آنچه برای ما در اینجا مهم به نظر می رسد این است که نظریات امام علی (ع) به عنوان یک متفکر و حاکم و اندیشمند با سیاست گذاری و عملیات او یکسان بود. در چارچوب نظام غرب این فاصله ی بین نظریات و عملیات (مفهوم های نظری و عملی) بسیار فاصله دارد. یک نگاه تاریخی به سیاست گذاری و زیر ساخت های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی امریکا و انگلستان و نتایج حاصله از آن که بر آمار و اطلاعات دولت های مربوط استوار است این شکاف بزرگ بین عدالت اجتماعی نظری و عملی را در چند قرن اخیر ثابت می کند.

نورفاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org